

اسلام‌گرایی محافظه‌کارانه و بازتاب آن در سیاست‌های اردوغان (بر اساس تئوری سازه‌نگاری)

علی‌علی حسینی^۱، عنایت‌الله یزدانی^۲، زهرا بهزادی بیرک علیا^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۱

چکیده

کشور ترکیه را می‌توان دارای هویت متناقض و در عین حال محافظه‌کارانه دانست؛ زیرا از یک طرف اسلام صوفیانه بر بنیان آن حاکم است و از طرف دیگر، با تبلیغ ارزش‌های غرب‌گرایی و ترکی سعی دارد به غرب نزدیک شود. اردوغان در طول بیش از یک دهه حاکمیت خود با رهبری حزب عدالت و توسعه در ترکیه اقدامات بسیاری برای راضی نگه‌داشتن کشورهای غربی و ۹۸٪ مردم مسلمان ترکیه انجام داده است. به نظر می‌رسد وی یک پا در غرب و یک پا در اسلام دارد. برای نمونه، وی از یک سو قانون منع حجاب در اماکن دولتی در ترکیه را لغو می‌کند و از سوی دیگر، همپیمان غرب و اسرائیل علیه سوریه می‌شود. می‌توان بیان کرد اگرچه این سیاست‌های دوگانه و محافظه‌کارانه تاکنون برای حکومت وی مشکل جدی ایجاد نکرده و حتی در انتخابات ریاست جمهوری پیروز میدان بوده است؛ اما در نهایت، به دلیل آشکار شدن معایب این دوگانگی هویتی و محقق نشدن خواسته‌های اکثریت مسلمان ترکیه، به نظر می‌رسد نتواند هژمونی خود را بر ترکیه تداوم بخشد.

واژگان کلیدی: اسلام‌گرایی اعتدالی، سازه‌نگاری، محافظه‌کاری، معنویت‌گرایی، غرب‌گرایی.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان ali.alihosseini@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان yazden2006@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان behzadi4187@gmail.com

مقدمه

هویت از جمله مباحث مهمی است که در سازه‌انگاری مطرح است. یکی از متغیرهای مرتبط با هویت، جهت‌گیری مذهبی است (رضایی فرح‌آبادی و احقر، ۱۳۸۹: ۲۵). مذهب در ترکیه یکی از عوامل مهم هویت‌ساز تلقی می‌شود. این کشور با داشتن ۹۸٪ مردم مسلمان، دارای حکومتی لائیک است که رهبران آن، دین را به حوزه زندگی خصوصی وارد کرده و از آن به عنوان یک برنامه سیاسی صرف نظر می‌کنند. پس از قدرت‌گیری رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور کنونی ترکیه روند غربگرایی؛ اما با پوششی اسلامی ادامه یافت. وی در سال ۲۰۰۳ به نخست‌وزیری رسید و حزب خود، «عدالت و توسعه» را، حزبی اسلام‌گرا، محافظه‌کار و دموکراتیک تعریف نمود که دارای مشی «اسلام‌گرایی اعتدالی» است (Erdogan, 2004: 6). در واقع، الگویی که وی ارائه می‌دهد، مبتنی بر قرائتی خاص از اسلام است که جهان غرب را دشمن اسلام تلقی نمی‌کند و در تلاش است با خلق وجه اشتراکاتی میان غرب و اسلام، همزیستی مسالمت‌آمیز میان این دو را تضمین نماید و بدین سبب، به «اسلام‌گرایی اعتدالی» شهرت یافته است (keyman, 2007: 217). بنیان این نوع اسلام که به سنت صوفیگری و طریقت‌گرایی در میان مردمان ترک برمی‌گردد (Heyking, 2009: 71)، بر گوشه‌نشینی و عبادت فردی و سیر و سلوک معنوی تأکید دارد. اندیشه‌های گولن (پدر معنوی اسلام‌گرایی اعتدالی) نیز دقیقاً برگرفته از این سنت صوفیانه است (نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۹۴). می‌توان گفت این مدل اسلام ترکی - صوفیانه با بنیاد راستین اسلام، که دین در آن سیاسی است، مطابقت ندارد. اردوغان یکی از بنیانگذاران این الگو، پس از رسیدن به قدرت در سال ۲۰۰۳ با اولویت دادن به توسعه اقتصادی و کمک به وضعیت بحرانی موجود در آن سال‌های ترکیه، اقدامات قابل ملاحظه‌ای انجام داد و توانست رأی بسیاری از مردمان کم‌پضاعت را تاکنون از آن خود کند. وی برای ایجاد تمایز میان گفتمان خود؛ یعنی «اسلام‌گرایی اعتدالی»، و گفتمان

«لانیسیزم» در ترکیه ناگزیر به حداقل تظاهر به اسلام است. در این راستا، در حوزه سیاست خارجی با تسامح، تظاهر به اسلام‌گرایی می‌کند و در مواجهه با کشورهای اسلامی در سکولاریسم و غربگرایی افراط نمی‌کند (افضلی و متقی، ۱۳۹۰: ۸۲). برای نمونه، وی از یک سو قانون منع حجاب در اماکن عمومی را که پس از کودتای نظامی سال ۱۹۹۷ به طور جدی اجرایی شده بود، لغو می‌کند و از سوی دیگر، با غرب و اسرائیل در جنایات سوریه هم‌پیمان می‌شود (خیاطی، ۹۲: ۷). در واقع، هژمونی هویت غربی در دولت‌هایی که از نوامبر ۲۰۰۳ تاکنون توسط حزب عدالت و توسعه در ترکیه تشکیل شده، ادامه پیدا کرده است و سردمداران این حزب می‌کوشند با جلب دوچندان سرمایه‌گذاری خارجی و پیروی از الگوهای غربی، به بهترین شکل ترکیه را به سمت توسعه همه‌جانبه سوق دهند. با این تفاسیر، بر اساس نظریه سازه‌انگاری می‌توان گفت هویت در ترکیه در تعامل و کنش با دگربرون و دگردرون خود دچار اشکالات نهادی و سازمانی شده است. هویت در ترکیه در طول اعصار مختلف با توجه به شکل‌گیری ایده‌های جدید تغییر یافته و رنگ و بوی خاصی به خود گرفته است. از جمله این هویت‌ها می‌توان به هویت مبتنی بر ارزش‌های ترکی، هویت مبتنی بر اسلام و در پی آن تسنن، و هویت مبتنی بر مدرنیسم اشاره کرد. هر یک از این هویت‌ها در طول تاریخ ترکیه با توجه به شکل‌گیری ایده‌های جدید و شرایط مقتضیات هر دوره به هویت غالب مبدل شده است (مهرپور، ۱۳۷۰: ۷). می‌توان گفت یکی از عناصر اصلی شکل‌دهنده به هویت و شخصیت ملت ترکیه، آموزه‌های اسلامی است؛ ولی به اذعان بسیاری از محققان مسائل ترکیه، نوعی گرایش و تمایل به غرب حتی پیش از تشکیل امپراتوری عثمانی تا به امروز در درون هیأت حاکمه مردم ترکیه وجود داشته است. این در حالی است که شمار اندکی از مردم ترکیه به اروپایی شدن اعتقاد دارند (مهرپور، ۱۳۷۰: ۷). در این شرایط جای سؤال است که: محافظه‌کاری مشی «اسلام‌گرایی اعتدالی» در ترکیه ناشی از کدام مورد است و چه تأثیری بر سیاست‌های رجب طیب اردوغان،

رئیس‌جمهور کنونی این کشور داشته است و چنین بازتابی در آینده چه پیامدهایی در زمینه هویت جمعی مردمان ترک خواهد داشت؟ در ادامه، برآنیم تا در چهارچوب تئوری سازه‌انگاره سیاست محاذکارانه اردوغان در مواجهه با دین و اقدامات وی را بررسی کنیم.

چارچوب نظری: تئوری سازه‌انگاری

در تعریف سازه‌انگاری اتفاق نظر وجود ندارد و از آن به عناوین مختلف؛ از جمله نظریه، رویکرد، پارادایم و .. یاد شده است. از نظر مباحث فراتئوری می‌توان سازه‌انگاران را در میانه طیف طبیعت‌گرایان/ اثبات‌گرایان از یک‌سو و (پساساختارگرایان) از سوی دیگر و در مباحث محتوایی روابط بین‌الملل در «میانه» دو بخش جریان اصلی؛ یعنی واقع‌گرایی و لیبرالیسم قرار داد. سازه‌انگاران کانون بحث را در روابط بین‌الملل از معرفت‌شناسی به هستی‌شناسی منتقل کردند. توجه سازه‌انگاران به انگاره‌ها، معانی، قواعد و رویه‌ها و تاکید آن‌ها بر نقش تکوینی عوامل فکری، آن‌ها را در برابر مادیگرایی حاکم بر جریان اصلی در روابط بین‌الملل قرار می‌دهد و به دلیل پذیرش اهمیت واقعیت مادی آن‌ها را از پاساساختارگرایان متمایز می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۶). می‌توان گفت نظریه سازه‌انگاری در علوم اجتماعی ریشه دارد؛ بدین معنی که تمامی دانش‌ها و پدیده‌های انسانی را اموری برساخته می‌داند که این برساختگی نیز به گونه‌ای اجتماعی و در جریان کنش متقابل بین ذهنی است (سلیمی، ۱۳۸۶: ۳۴).

از دیدگاه سازه‌انگاری، کنشگران بر اساس معانی که چیزها و سایر کنشگران برای آن‌ها تولید می‌کنند، عمل می‌نمایند و این معانی بین‌الذهانی در تعامل است که شکل می‌گیرند. این روند شکل‌گیری معانی در روندی علامتدار تفسیر کردن و پاسخ دادن شکل داده می‌شود؛ به صورتی که به شناخت مشترک می‌انجامد و فرد نشانه‌ها را بر اساس تعامل،

مباحثه، گفتگو، مناظره و استدلال تفسیر می‌نماید و بر اساس تفسیر و برداشت خود به آن نشانه و کنش‌ها، واکنش و پاسخ می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۴۴). در این میان، سه گزاره مهم و بنیادین بعد هستی‌شناختی سازه‌انگاری عبارتند از:

۱- ساختارهای فکری به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند.

۲- گزاره‌ها هویت‌ها هستند که به منافع و هویت‌ها شکل می‌دهند.

۳- کارگزاران و ساختارها متقابلاً به هم شکل می‌دهند (هادیان، ۱۳۸۳: ۹۱۹).

به نظر ونت، هویت‌ها و منافع بیش‌تر از آنکه در سیاست داخلی معنا پیدا کند، در ذهنیت افراد ساخته می‌شود و افراد بر اساس همان ذهنیت خود تعریفی از هویت یا منافع ارائه می‌دهند. ونت با اعتقاد به اینکه ساختارهای اجتماعی محصول انگاره‌های مشترک انسانی هستند، سازه‌انگاری را نوعی «ایدئالیسم ساختاری» می‌نامد (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۲). او تأکید می‌کند که چگونه هنجاری یا اندیشه‌ای، معنای هویت تک‌تک کنشگران و الگوهای فعالیت مناسب اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را که کنشگران یاد شده در پیش می‌گیرند، تعریف می‌کنند (Boli & others, 1989: 12) برای سازه‌انگاران ساختار و کارگزار به شکلی متقابل به یکدیگر قوام می‌بخشند. ساختارها به عنوان پدیده‌هایی نسبتاً پایدار با تعامل متقابل خلق شده و براساس آنها، کنشگران هویت‌ها و منافع خود را تعریف می‌کنند. ساختار جدا از فرایند و به عبارتی جدا از رویه‌های کنشگران وجود ندارد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۳۰).

آنچه سازه‌انگاران بر آن تأکید دارند، سرشت اجتماعی کنشگران است؛ یعنی در واقع انسان‌ها را در روابط اجتماعی خود می‌بینند. از این منظر، دولت‌ها در حوزه روابط بین‌الملل و کنشگران انسانی در حوزه جامعه، دارای یک هویت اجتماعی هستند؛ بدین معنا که ما نمی‌توانیم تصویری درباره کنشگر ماقبل اجتماعی داشته باشیم و هویت کنشگران از تعامل حاصل شده است. از سوی دیگر، نکته‌ای که سازه‌انگاران بر آن تأکید می‌کنند، ساختارهای

معانی است. اگر واقع‌گرایی بر ساختارهای مادی تاکید می‌کند و چگونگی توزیع قدرت را بر روی رفتار دولت یا تأثیر سیاست خارجی را بر دولت‌ها بررسی می‌کند، در سازه‌انگاری اصل بر ساختارهای معانی است؛ بدین معنا که آنچه با عنوان ساختار به آن توجه می‌شود، در روابط بین‌الملل برای هر یک از کنشگران به صورتی خاص معنا می‌شود و آن‌ها فهم مخصوص به خود را از آن دارند و کنشگر را باید در بستر این معنا و تعاملات مشاهده کرد. کنشگران هویت از پیش تعیین شده ندارند و هویت آن‌ها در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۴۴). نتیجه طبیعی این امر در بررسی سیاست خارجی یک کشور بدین شکل است که یک دولت، بر اساس تعریف از هویت خود، جهان اطراف خود را تعریف می‌کند و بر اساس آن دست به کنش می‌زند و در این کنش واقعیت نظام بین‌الملل را می‌سازد و متقابلاً خود نیز ساخته می‌شود (اسمیت، ۱۳۸۳).

بنیان اسلام در ترکیه

سنت، ایدئولوژی و شرع اسلام برای ترک‌ها اهمیت بسیاری دارند. در حدود ۹۸٪ درصد ترک‌ها مسلمان هستند، که از این میان ۷۵٪ درصد سنی مذهب و وابسته به مکتب حنفی بوده و ۲۰ تا ۲۵٪ درصد نیز شیعه مذهب هستند (گروه مترجمین صراط، ۱۳۸۹: ۱۱۷). بنیان اسلام در این کشور سنت صوفیگری و طریقت‌گرایی است. واعظان متصوف مردان مقدسی بودند که نقش رهبری مردم در آسیای میانه را بر عهده داشتند و به همین علت، این افراد در طول تاریخ در میان ترک‌ها صاحب نفوذ باقی مانده‌اند (Heyking, 2009: 71). در تصوف گوشه‌نشینی و عبادت فردی و سیر و سلوک معنوی و در یک کلام، در لاک خود فرورفتن اصل است؛ در حالی که این امر با بنیاد راستین اسلام که دینی سیاسی است، مطابقت ندارد. می‌توان گفت اسلام در ترکیه چهره‌ای متفاوت و آمیخته با مختصات فرهنگی خاص خود دارد. برای بسیاری این پرسش مطرح است که: «چرا در ترکیه

اسلام‌گرایی محافظه‌کارانه و بازتاب آن در سیاست‌های اردوغان... / ۷

حرکت‌ها و جریان‌های اسلامی به اندازه سایر کشورهای اسلامی از قدرت بهره‌مند نبوده‌اند؟» در پاسخ باید گفت این امر تا حدود زیادی از ماهیت اسلام در ترکیه ناشی می‌شود؛ بسیاری این نوع اسلام را اسلام اروپایی؛ یعنی اسلام همراه با مشروب، قمار و ... می‌نامند (مطلبی و زمانی، ۱۳۹۱: ۱۳۷). در واقع، اسلام حاکم بر امپراتوری عثمانی و بعدها جمهوری ترکیه ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که از آن به عنوان «اسلام ترکی» یاد می‌کنند (Ahmet, 1996: 34). «نورورگین ریالیک»، جامعه‌شناس ترکیه استدلال می‌کند که بنا به دلایل تاریخی مسلمانان ترکیه روایتی بومی از اسلام را توسعه داده‌اند که با شرایط محلی ترکیب یافته است. محمد آیدین، پرفسور دین‌شناسی و یکی از وزرای کابینه دولت اردوغان در ترکیه در سال ۲۰۰۴ استدلال کرد در صورتی که روشنفکران رهیافت جدیدی را به اسلام از طریق ترکیب صوفیگری با تجارب تاریخی ترکیه مدرن ایجاد کنند، می‌توان اسلام ترکی را توسعه و تقویت کرد (Mehmet, 2008: 167). اسلام ترکی یک مثال محلی شده از آموزه‌ای جهانی است. در نتیجه این محلی شدن هرکسی می‌تواند عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کلیدی‌ای را مشخص کند که ابزارهای اصلی تشکیل هویت متمایز اسلام ترکی است (Yavuz, 2003: 23). این نوع اسلام بر مفاهیمی همچون: تساهل (جلال‌الدین رومی)، عشق (یونس امره) و تعقل (حاجی بکتاش) تاکید می‌کند. در مدل اسلام‌گرایی ترکی تلاش می‌شود با تلفیق اسلام و مدرنیته غربی به گونه‌ای که کمترین تنش میان این دو به وجود آید و حتی تنش‌های موجود نادیده گرفته شود، مدرنیته اسلامی حاصل گردد. این تلفیق سبب شده است تناقضات متعددی در فرایند تحولات موجود ترکیه روی دهد، که ظهور و بروز آن، چه در عرصه اجتماع و چه در عرصه سیاست داخلی و خارجی ترکیه؛ به‌ویژه در دولت اردوغان مشهود است. همچنین، در الگوی ترکیه به دلیل اعتقاد به عدم رابطه اسلام و سیاست، امکان تشکیل دولتی اسلامی که کارگزار دین باشد، وجود ندارد (شیرودی و نوروزی فیروز، ۱۳۹۲: ۸۷). در واقع، اسلام‌گرایان میانه‌رو

بر این باورند که بیشتر احکام اسلامی در باب زندگی شخصی افراد و انسان‌هاست و اسلام در خصوص مدیریت سیاسی و اجتماعی برنامه‌ای ندارد و تنها بخش کوچکی از آن درباره حکومت‌داری و کشورداری است. سعید نورسی، اندیشمند این نحله بر این باور بود که مسلمانان می‌توانند بدون توسل به قدرت و اقتدار سیاسی در اسلامشان ثابت قدم باشند. او بیشتر دغدغه احیای فرد مسلمان و نیز اخلاقیات اسلامی را در جهان مادی امروز داشت؛ یعنی دغدغه اصلی وی حمایت و نگهداری از اسلام، بدون اتکا به سیاست بود و از این رو، از اسلام سیاسی حمایت نمی‌کرد. نورسی بر این باور بود که اسلام بدون کشور و ایمان معمولی و متعارف مردم در جهان اسلام، زمانی که قدرت‌ها آن‌ها را رها می‌کنند، بهترین راهنما برای دست‌یابی به اسلام ناب است. بنابراین، وی آزادی را شرط اصلی تحقق ایمان می‌دانست (ولد، ۱۳۸۹: ۱۶). واقعیت این است که اسلام مدل ترکیه به رغم برخی انتقاداتی که غربی‌ها و صهیونیست‌ها ظاهراً بر آن دارند، از منظر آنان، بهترین گزینه برای انقلاب‌های مردمی به ثمر رسیده در کشورهای عربی‌ای است که خواهان برقراری حکومتی با قوانین و احکام اسلام هستند؛ اسلامی که کمترین چالش‌های ممکن را برای غربی‌ها و صهیونیست‌ها داشته باشد.

ظهور اردوغان و اقدامات وی

در ترکیه از سال ۱۹۹۷ به بعد، اعمال فشار بر اسلام‌گرایان، آنان را ناگزیر می‌کند بیش از پیش در آراء خود تجدید نظر کرده، خود را با اصول سکولاریسم و دموکراسی غربی همراه نشان دهند، که این روند برخلاف خواست سکولارهای تندرو با به‌قدرت رسیدن «حزب عدالت و توسعه» به رهبری رجب طیب اردوغان و تشکیل دولت توسط وی به اوج خود می‌رسد (قهرمانی، ۱۳۸۳: ۲۶). اردوغان پس از رسیدن به پست نخست‌وزیری در سال ۲۰۰۳ خود را «محافظه‌کار مدرن» نامید که به جمع آزادی و مذهب معتقد است. وی معتقد

است: «اسلام یک مذهب است اما سکولاریسم یک شیوه مدیریتی است. وقتی کسی اسلام را انتخاب می‌کند، مسلمان می‌شود؛ اما می‌تواند سکولاریسم را به‌عنوان شیوه اداره حکومت انتخاب کند؛ مثلاً من مسلمان هستم و دولت سکولار را ترجیح می‌دهم» (معمودی مهر، ۱۳۸۸: ۲۰). این نوع طرز تفکر که به اندیشه‌های گولن برمی‌گردد، به جدایی دین از سیاست و فردی کردن دین مربوط است. در این راستا، به نظر می‌رسد عواملی چند؛ از جمله: مسلمان و شریعت‌خواه بودن، مبارزه با اختلاس و سلامت مالی و اخلاقی، همکاری با عناصر غیرمذهبی و غیرحزبی در تیم کار خود با توجه به شایستگی آن‌ها، و در نهایت جوان بودن و گویش جوان‌پسند، چهره آرام و فکور اردوغان در محبوبیت او و حزبش نقش داشته باشد. در واقع، تشخیص صحیح وی از اساسی‌ترین نیازهای جامعه ترک و نامگذاری حزبش به «عدالت و توسعه»، از مهمترین عوامل ثبات حکومت وی برای بیش از یک دهه در ترکیه است (واعظی، ۱۳۸۶: ۴).

دولت اردوغان در راستای عدالت و توسعه، اقدامات فراوانی از سال ۲۰۰۳ تاکنون انجام داده است. در زمینه اقتصادی، این حزب سیاست‌های آزادسازی، خصوصی‌سازی و همراهی با اقتصاد بازار جهانی را در پیش گرفته است (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۴۱). در زمینه سیاست خارجی، حمایت ترکیه از عضویت در اتحادیه اروپا سبب شده است محبوبیت این حزب بالا برود. موفقیت اردوغان در گرفتن تاریخی مشخص برای شروع مذاکرات الحاق به اتحادیه اروپا سبب شده است که مردم ترکیه به او به‌عنوان قهرمانی ملی نگاه کنند (واعظی، ۱۳۸۶: ۵). سیاست‌های اصلاح‌گرانه اردوغان، همچون: رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی؛ حذف اعدام از مجازات‌ها، تأکید بر رعایت حقوق اقلیت‌های قومی و دینی، رفع تبعیض‌های جنسیتی، کاهش تعداد و نقش نظامیان در منصب‌های اجرایی؛ از جمله دبیر شورای امنیت و دبیر آموزش و پرورش و... این برداشت را در ذهن ترک‌ها شکل داده است که اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه، افرادی دموکرات و

قانونگرا هستند و بهتر است به این گروه رأی داده شود (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۷۴). اما مسأله‌ای که ذهن نگارندگان این نوشتار را به خود معطوف داشته، این است که: سیاست‌های محافظه‌کارانه و دوگانه اردوغان که ناشی از منابع هویتی متعارض دینی- غربی و مبانی نظری اسلامگرایی اعتدالی است، ممکن است تاکنون برای حکومت وی ایجاد مشکل جدی نکرده باشد و حتی در انتخابات ریاست‌جمهوری به پیروزی رسیده باشد؛ اما به نظر می‌رسد در بلندمدت زیان‌های این‌گونه اسلام‌گرایی با اعتراضات مردمی مواجه خواهد شد. در ادامه، به تشریح دلیل این امر بر اساس نظریه سازه‌انگاری می‌پردازیم.

تحلیل محافظه‌کاری اردوغان بر اساس نظریه سازه‌انگاری

هویت از جمله کلیدواژه‌های اصلی رویکرد سازه‌انگاری است. با نگاهی هویتی به جامعه ترکیه و مشی رهبران آن و از جمله اردوغان، می‌توان دریافت که ترکیه از جمله جوامعی است که در نیمه اول قرن بیستم کوشید با دوری از هویت اسلامی خود ردای هویت غربی را بر تن کند؛ اما هویت تمدنی مسأله‌ای نیست که با اجبار قابل تغییر باشد (مقصودی و تیشه‌کار، ۱۳۸۸: ۳۲). در واقع، بر اساس نظریه سازه‌انگاری سیاست کنونی ترکیه بر اساس چند فرهنگ‌گرایی رقم خورده است. می‌توان گفت این سیاست تا حدّ زیادی ناشی از جایگاه ژئوپولتیک ترکیه و ضرورت ائتلاف با مناطق پیرامون است. سیاست چندوجهی و چندلایه فوق خود را به صورت سیاست‌های قومی (پان‌ترکیسم) و دینی (احیای خلافت عثمانی در شکل نوین) و انقلابی (موضوع غزه و حمایت از بیداری اسلامی) و غربی (برگ ناتو و گرایش اروپایی و رابطه با رژیم صهیونیستی) و شرقی (تعریف منافع در آسیا و آفریقا) برای ایجاد هژمونی منطقه‌ای و نمایندگی جهان اسلام در عرصه بین‌الملل نشان می‌دهد (زاهدی، ۱۳۹۱). از نگاه رهبران حزب عدالت و توسعه، هویت ترکیه بر ساخته از فرهنگ و تمدن غنی این کشور در دوره امپراتور عثمانی همراه با تمدن غرب است که نوع

خاصی از اسلام‌گرایی با عنوان «اسلام‌گرایی اعتدالی» به وجود آورده است. این‌گونه اسلام‌گرایی هویتی را بر ساخته است که از سه سازه مسلمان خاورمیانه‌ای، ترک اورا- آسیایی و شهروند اروپایی تشکیل شده است. بدین علت، در رویکرد جدید رهبران ترکیه، می‌توان جلوه‌هایی از اسلام‌گرایی، ترک‌گرایی، شرق‌گرایی و غرب‌گرایی را دید (Buzan, 1999: 17).

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور کنونی ترکیه و یکی از بنیان‌گذاران این مشی، پس از رسیدن به قدرت در سال ۲۰۰۳، متوجه شد که با جامعه‌ای مواجه است که نظامیان لائیک و افراد طرفدار جناح لائیسیزم در بسیاری از پست‌های کلیدی آن؛ از جمله: قوه قضائیه، دادگاه قانون اساسی، ارتش و نهادهای آموزشی، ممکن است ددرسرها و مشکلات بسیاری را برای حزب وی و جناح اسلام‌گرا در ترکیه ایجاد نمایند. از طرفی، وی سابقه زندان رفتن به علت داشتن عقاید اسلامی را دارد. در نتیجه، به این امر رسید که با توجه به شرایط ترکیه نمی‌تواند یک حکومت تمام عیار دینی برقرار کند. در این راستا کوشید اسلام حداقلی را در جامعه ترکیه به اجرا گذارد. وی تحت تأثیر عقاید فتح‌الله گولن، گفتمان اسلام‌گرایی اعتدالی را که نطفه آن در زمان تأسیس حزب رفاه بسته شده بود، رسماً اعلام و سیاست داخلی و خارجی ترکیه را بر اساس آن پی‌ریزی نمود. از منظری تحلیلی می‌توان دریافت که در تمام این سال‌ها تلاش اردوغان در جهت راضی نگه‌داشتن اکثریت مسلمان ترکیه از یک سو و دولت‌های غربی از طرف دیگر بوده است. اردوغان پس از رسیدن به قدرت اعلام نمود که قصد ایجاد یک حکومت اسلامی را ندارد و اسلام تنها به عرصه شخصی و خصوصی زندگی مردم مربوط می‌شود. این گونه دیدگاه نسبت به دین بر اساس رویکرد روان‌شناسی دین، به بررسی‌های گوردن آلپورت از پدیده دینداری بسیار نزدیک است. وی در بررسی‌هایش در پی مشخص کردن این مطلب بود که ایمان یک فرد تا چه اندازه بیرونی (ارزشمند است به این خاطر که برای منافع شخصی و اجتماعی سودمند

است) یا درونی است (فی نفسه ارزشمند است و فراتر از منافع خود است). در این راستا، به نظر می‌رسد در خصوص اردوغان می‌توان گفت وی با توجه به شرایط ترکیه در پی استفاده ابزاری از دین و توجه به جنبه بیرونی دینداری بوده است. اسلام به‌عنوان یک دین جامع هرگز تنها به عرصه زندگی خصوصی مربوط نمی‌شود. احکام و فرمان‌هایی که در قرآن کریم آمده است، تنها در سایه ایجاد یک حکومت دینی امکان‌پذیر است. ایمان راستین تنها از طریق اجرای همه فرمان‌ها و دستورهای خداوندی امکان‌پذیر است؛ نه اینکه هر جا مصلحت ایجاب کرد، به دلخواه بخشی از فرمان‌های قرآن کریم را اجرا کنیم و برخی دیگر را مسکوت گذاریم. می‌توان گفت امروزه مذهب در تمام ابعاد، به مثابه منبعی مهم برای هویت و معنابخشی در جهان متجدد و آشفته کنونی به‌کار می‌رود (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۱۰۳)؛ به‌خصوص برای جامعه‌ای همچون ترکیه با سابقه رهبری جهان اسلام و خواست اکثر مردم این کشور برای برپایی حکومتی دینی، نمی‌توان هویت غربی را در کنار هویت دینی-ترکی همزمان به‌کار گرفت. در واقع، این دوگانگی‌ها زمانی مشکل‌آفرین می‌شود که نتوان دو طرف را همزمان از خود راضی نگه‌داشت؛ برای مثال، می‌توان گفت در سال‌های اولیه حکومت؛ یعنی از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ سیاست دولت اردوغان به شکل علنی در مخالف با اقدامات اسرائیل در منطقه بود؛ به طوری که سیاست وی در جهت حمایت از مسأله فلسطین نمایان شد و تلاش کرد به عنوان میانجی بین سوریه و اسرائیل عمل کند (Amanda & demi murat, 2012: 5-9). در این راستا، وی با صراحت هر چه تمامتر، رژیم اشغالگر را قاتل زنان و کودکان و ضد حقوق بشر می‌نامید (معمدی مهر، ۱۳۸۸: ۲۰)؛ اما پس از آغاز بحران در سال ۲۰۱۱، روندی دیگر در سیاست خود علیه بشار اسد در پیش گرفت؛ به طوری که خواستار اتمام جدی رژیم بشار اسد به اصلاحات و ایجاد گشایش در فضای سیاسی سوریه شد (Taspinar, 2012: 7-9). در حالی که چنین سیاستی قویاً از سوی قدرت‌های غربی حمایت شده است، بدبینی و مخالفت مردم مسلمان ترکیه و کشورهایی از

جمله سوریه و ایران را به‌دنبال داشته است. در یک تحلیل می‌توان گفت دلایل این رفتارهای ترکیه در قبال فلسطین و لبنان، ارائه هویتی نوین و متفاوت از خود نسبت به گذشته در قبال جهان اسلام است. ترکیه همواره به بازتعریف هویت خود مطابق با کشورهای جهان اسلام و در دست گرفتن ابتکار عمل در رهبری جهان اسلام نیاز داشته است. لذا این کشور همواره از جنبش‌های اسلامی مانند حماس و حزب الله حمایت می‌کند. دولت اردوغان در پی آن است تا از منابع انرژی و بازار مصرف کشورهای اسلامی و موقعیت دسترسی آنها به شرق استفاده نماید و حمایت‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی غرب را نیز با خود داشته باشد. می‌توان گفت این سیاست‌های اردوغان از یک طرف در موقعیت حساس ژئوپولیتیک ترکیه ریشه دارد (افضلی و متقی، ۱۳۹۰: ۱۸۲) و از طرف دیگر، به اندیشه‌های گولن و نورسی برمی‌گردد که به عدم نزاع بین اندیشه‌های غربی و اسلامی اعتقاد دارند. در این راستا، پرفسور کمال کارپات، استاد دانشگاه ویسکونسین در سال ۲۰۰۳ خطاب به هیأت حاکمه جدید جمهوری ترکیه می‌گوید:

«مسأله اساسی این‌جاست که سردمداران ترکیه چه بخواهند و چه نخواهند، هویت و پیشینه اسلامی یکی از اجزای اصلی و ارکان مهم فرهنگ و تمدن آن‌ها خواهد بود. حال اگر قصد داشته باشند که بیش از پیش با پیروی از الگوهای توسعه غربی به ارتقای سطح کشور در همه حوزه‌ها بپردازند، این مسأله طبیعتاً به شکافی تبدیل خواهد شد که هم‌اکنون نیز رگه‌های مهمی از آن در هویت و عقبه تاریخی مردم این کشور دیده می‌شود. پیامد دیگر اتکای بیش از حد کشوری متمدن و مسلمان به ارزش‌های غربی علاوه بر معضل مذکور، وابستگی فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و ازدست دادن استقلال شخصیتی است که بزرگترین بحران‌ها را در یک جامعه به دنبال خواهد داشت: بدون شک قدرت‌های غربی تا زمانی که ترکیه با منافع و فلسفه اساسی‌شان مخالفت نکند، نقش این کشور را در منطقه می‌پذیرند و به توسعه آن کمک

می‌کند؛ اما اگر ترکیه بتواند اثبات کند که قادر است میراث عثمانی و اسلام را در یک‌جا جمع کند، هیچ‌کس نمی‌تواند از آن به صورت یک پایگاه استفاده کند. ترکیه دولتی نیرومند است که کمتر از ظرفیتش حرکت می‌کند و اگر بتواند، از امکانات و قدرت فکری و فرهنگی خود به‌درستی استفاده کند، می‌تواند از دیگر قدرت‌ها احترام ببیند. مسأله‌ای که باید روی آن بیشتر دقت شود، همین است: "آن‌که هم‌تراز صحبت کند، عزت و احترام می‌یابد؛ اما دولتی که به ارزش‌های خود متکی نباشد، مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. شما را روزی به اوج آسمان‌ها می‌برند و وقتی کارشان تمام شد، رهائتان می‌کنند و به راهشان ادامه می‌دهند..." (مفیدنژاد، ۱۳۹۱: ۲۴).

در این شرایط به نظرمی‌رسد انتخاب اردوغان به عنوان رئیس‌جمهور منتخب کشور ترکیه با رأی ۵۲٪ در سال کنونی علی‌رغم همه این عملکردهای دوگانه و محافظه‌کارانه، به‌گونه‌ای انتخاب میان بد و بدتر باشد. با نگاهی به رقبای لائیک و اسلام‌گرای اردوغان می‌توان دریافت که آنها از قدرت کافی برای کنار زدن وی برخوردار نبودند. از سوی دیگر، اتفاقاتی که در اواخر دوران نخست‌وزیری وی رخ داد؛ از جمله فساد برخی از اعضای وابسته به وی، نتوانست به مانعی در مقابل انتخاب وی تبدیل شود. به نظر می‌رسد مهمترین دلیل این امر، این باشد که در فضای داخلی، اردوغان از ابتدای قدرت گرفتن در ترکیه بر فضای اجتماعی و اقتصادی تمرکز کرده است و توانسته به موفقیت‌های خوبی دست یابد؛ به‌گونه‌ای که مردم ترکیه با مقایسه وضع مالی و اقتصادی خود نسبت به گذشته، در چندین انتخابات و با رأی بالا به وی، به سیاست‌های حزب عدالت و توسعه روی خوش نشان داده‌اند. برای شهروندان ترک، اهمیت توسعه و پیشرفت داخلی و خدماتی که از آن بهره‌مند می‌شوند، بیش از معادلات بین‌المللی اهمیت دارد، به همین دلیل، در آستانه انتخابات بالطبع آنچه برای شهروندان ترک اهمیت داشت، انتخاب حزبی بود که

به این پیشرفت ادامه دهد (لاسجردی، ۱۳۹۳: *mahamnews.com*). در نتیجه، اردوغان دوباره و با رأی بالا به ریاست جمهوری برگزیده می‌شود. با همه این تفاسیر، به نظر نمی‌رسد هژمونی اردوغان بر ترکیه تداوم یابد. دلیل این امر به آشکار شدن دوگانگی‌های هویتی و محقق نشدن خواست‌های اکثریت مسلمان ترکیه بر می‌گردد. در توضیح این مطلب می‌توان گفت یکی از نقاط مشترک تمامی جنبش‌هایی که در چند سال اخیر در تونس، مصر، یمن و بحرین رخ داده، موج دموکراسی‌خواهی در این مناطق است. این حرکت‌ها خواستار حکومت دموکراتیک و حاکمیت مردم است (*Hamilton, 2011: 22*).

از دیگر ویژگی‌های مشترک این تحولات و خیزش‌ها، از یک سو ضدآمریکایی و ضداستبدادی بودن و از سویی دیگر، رنگ و بوی اسلامی آنهاست. می‌توان گفت رهبران معروفی از جمله: جمال عبدالناصر، حافظ اسد، معمر قزافی و صدام حسین، همه در ابتدا مانند اردوغان از قهرمانان ملی بودند. این رهبران در کنار ساختارهای مدرن همچنان در چارچوب‌های ارزشی یک‌سونگر، بسته و گفتگوگریز عمل می‌کردند. همه اینها وعده زندگی بهتری به مردمان داده و گفته بودند تهیدستی، بیسوادی، استثمار، نقض حقوق انسانی، گسستگی میان صاحبان قدرت و توده مردم را از بین می‌برند (مقصودی و حیدری، ۱۳۹۰: ۵۷). توزیع نادرست و زیانبار ثروت در اغلب این کشورها، از دیگر موارد مشترک در میان این کشورهاست. در دسترس بودن پول‌های هنگفت ناشی از فروش نفت به شکاف‌های طبقاتی در این کشورها دامن زده است و سبب فساد و مصرف‌گرایی بی‌اندازه دولتمردان و توانگران شده است. همچنین برخلاف وعده‌های داده شده در طول چنددهه گذشته، بسیاری از حکومت‌ها در استقرار عدالت اجتماعی با شکست روبه‌رو شده‌اند. شکاف میان دارا و ندار جامعه، از چشمگیرترین ویژگی‌های سیاسی خاورمیانه بوده است. این روند موجب ایجاد یک شکاف خطرناک فرهنگی سیاسی میان گروه حاکم و توده مردم شده است. در این راستا و بر اساس نظریه توسعه نامتوازن، به‌وجود آمدن رفاه نسبی در

کشوری باعث طرح مطالبات دموکراتیک و در نهایت، اعتراض مردم به دولتمردان آن کشور می‌شود (عبیری، ۱۳۸۳: ۵۶-۶۰).

در ترکیه آنچه از شواهد پیداست، اردوغان با اولویت دادن به توسعه اقتصادی، سبب به وجود آمدن طبقه متوسط جدیدی می‌شود که خواسته‌های سیاسی خواهند داشت؛ خواسته‌هایی که در بطن توسعه سیاسی نهفته است و دربردارنده آزادی خواهی، حقوق شهروندی و حقوق دموکراتیک مدرن بوده و به نظر می‌رسد دولت ترکیه نتواند در بلند مدت جوابگوی این خواست‌های مردمانش باشد. اردوغان پس از رسیدن به ریاست جمهوری اعلام نمود که پلیس در برخورد با منتقدان و مخالفانش باید شدت عمل بیشتری نشان دهد؛ حتی طرحی که اخیراً دولت وی به مجلس ارائه کرده است، استفاده سلاح گرم را برای پلیس این کشور به هنگام رودررویی با تظاهرات تسهیل می‌کند. منتقدان می‌گویند که در صورت تصویب این قانون، هر مأموری می‌تواند از سلاح گرم استفاده کند و ادعا نماید که برای دفاع از خود دست به سلاح برده است. همچنین، شاهد این هستیم که ۵۳ نفر که بسیاری از آنها از نزدیکان رئیس‌جمهور هستند و به ارتکاب جرایم «رشوه‌خواری و تشکیل گروهی با هدف رشوه‌گیری» تحت پیگرد قضایی بودند، تبرئه شدند و دادستانی اعلام کرد که علیه این افراد مدارک محکمه‌پسند وجود ندارد و احتمالاً در گردآوری شواهد و مدارک، اشتباهاتی رخ داده است (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۳: isna.ir/fa). می‌توان گفت شکل‌گیری جنبش و یا انقلاب در هر کشوری پدیده‌ای نیست که یک‌روزه و یک‌شبه رخ دهد؛ بلکه ناشی از وجود عوامل متعدد و شکل‌گرفته در مدت زمان طولانی است. به نظر می‌رسد مردم ترکیه در درازمدت به همان طریقی به حرکت علیه دولت حاکم دست بزنند، که برخی کشورهای خاورمیانه‌ای به این کار اقدام کردند. در این بین، به نظر می‌رسد وابستگی اردوغان به قدرت‌های بین‌المللی، که به عنوان دشمنان اسلام و مسلمین

در افکار مردم و جهان اسلام مطرح است، از مهمترین دلایل شکل‌گیری حرکت‌های تدریجی علیه دولت وی خواهد بود (بروجردی، ۱۳۹۰: www.tabnak.ir)

نتیجه‌گیری

بر اساس مکتب سازه‌انگاری، هویت یک دولت با توجه به ارزش‌های گذشته و آینده کشور شکل می‌گیرد و دولت‌ها و دولتمردان با روایت تاریخ به شیوه‌ای خاص و ویژه، آن را پشتوانه عملکرد امروز خود قرار می‌دهند (Went, 1987: 54). در واقع، سازه‌انگاری در مورد کنشگران معتقد به سرشت اجتماعی آنهاست؛ به این معنا که این تعاملات، رویه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها، فرهنگ، ایدئولوژی، باورهای اصولی و ایده‌های نهادینه هستند که به هویت آنها قوام می‌بخشند. اگر این نظریه را با حکومت اردوغان تطبیق دهیم، به ایده اصلی مقاله می‌رسیم و آن این است که ایجاد رویکرد اسلام‌گرایی اعتدالی توسط اردوغان و مشی محافظه‌کارانه و دوگانه وی در رفتار سیاست داخلی و خارجی، ناشی از خاستگاه اسلام در کشور ترکیه است که مبتنی بر طریقت‌گرایی و دارای بنیان صوفیانه است. این گونه اسلام‌گرایی که نام اسلام ترکی نیز بر آن نهاده‌اند، به دخالت دین در سیاست معتقد نیست و درصدد است ارزش‌های اسلامی و غربی را توأمان مدنظر قرار دهد. می‌توان گفت اگرچه دولت کنونی ترکیه از اعضای اسلام‌گرا تشکیل شده است؛ اما همچنان نظام حاکم بر این کشور لائیک بوده است. در واقع، ترکیه در یک دهه اخیر هویت خود را به شکلی تعریف کرده است که منافع خود را در تعامل با دنیای غرب و جهان اسلام می‌داند. این امر به ایجاد تضادها و تناقضات نژادی و ایدئولوژیک در سطح جامعه ترکیه منجر شده است. در این راستا، اردوغان به طور مداوم برچسب «اسلام‌گرایی» بر حزب خود را رد کرده است. تلاش‌های وی برای پیوستن به اتحادیه اروپا و حمایت‌های بی‌دریغ وی؛ مخصوصاً در سال‌های اخیر از اقدامات رژیم صهیونیستی و راضی نگه‌داشتن بلوک غرب از خود، از

جمله اقدامات غرب‌گرایانه وی است. این درحالی است که وی در سال‌های اولیه حکومت خود سیاست‌های رژیم صهیونیستی را مورد انتقاد قرار می‌داد؛ اما اینکه وی نام حزب خود را عدالت و توسعه، و مشی حکومت خود را مبتنی بر اسلام‌گرایی اعتدالی قرار داده است، به نظر می‌رسد ناشی از این است که وی این امر را مورد توجه قرار داده که با ۹۸٪ مردم مسلمان ترکیه مواجه است که خواست آنها حرکت به سمت اسلام‌گرایی بوده است. نتایج یک گزارش تحقیقی در ترکیه نشان می‌دهد میزان کسانی که مذهب را مهم‌ترین مطلب مورد علاقه خود می‌دانند، از ۶۳ درصد در ۱۹۹۰ به ۸۳ درصد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است (عباسی، ۱۳۸۶: ۶). اردوغان نمی‌تواند در کنار توجه به غرب، این موج اسلام‌گرایی را نادیده بگیرد. در این راستا، وی قانون منع حجاب در اماکن دولتی و دانشگاه‌ها را که سال‌های سال بر جامعه ترکیه سایه افکنده بود، لغو می‌کند. البته، نمی‌توان پیشرفت‌های ترکیه از سال ۲۰۰۲ تاکنون در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی را نادیده انگاشت؛ اما نکته‌ای که به ذهن می‌رسد و نگارش این مقاله را موجب شد، این بود که این دوگانگی‌ها و تناقضات در عملکرد اردوغان تا کجا با سکوت مردم مواجه می‌شود و آیا ترکیه مانند مصر، تونس و لیبی، روزی شاهد تظاهرات اعتراض‌آمیز علیه این اقدامات و دوگانگی‌ها خواهد بود؟!

بر اساس سخنان امام علی(ع) عبادت از روی ترس (بردگان) و کسب (بازرگانان) روی آورد ابزارگرایانه به دین است. این دو گروه عبادت را ابزاری برای رسیدن به اهداف دیگر خود می‌کنند. روی آوردن بردگان به عبادت برای دوری از دوزخ است و روی آوردن بازرگانان به دین برای نزدیکی به فردوس است. هر دو این روی‌آوردها، نوعی دینداری بیرونی هستند؛ زیرا با اهدافی فایده‌گرایانه و ابزاری به دین و عبادت روی می‌کنند (جی واتسون، ۱۳۷۷: ۶۴). در خصوص اردوغان نیز می‌توان گفت نگاه سراسر ابزاری وی به دین، موج مخالفت‌ها را در درازمدت علیه وی ایجاد خواهد کرد. با نگاهی مقایسه‌ای

می‌توان دریافت که برخی شاخصه‌های جنبش آزادیخواهی و اسلام‌خواهی که در برخی کشورهای خاورمیانه‌ای سبب انقلاب شده است؛ از جمله: فساد برخی اعضای وابسته به طبقه حاکم و تناقضات گفتاری و رفتاری حاکمان در رفتار سیاست داخلی و خارجی؛ در ترکیه نیز زمزمه‌هایی از آن به گوش می‌رسد؛ حتی روند توسعه اقتصادی که اردوغان به سختی آن را دنبال می‌کند و به نظر می‌رسد که عامل اصلی پیروزی وی در انتخابات اخیر بوده است، در بلندمدت سبب ایجاد قشر متوسطی می‌شود که حالا دیگر نیازهای اقتصادی‌شان تا حدودی تأمین شده است و به دنبال خواست‌های سیاسی و دموکراسی و آزادیخواهی هستند. این اصل همیشگی نیز که قدرت فسادآور است و قدرت مطلق فساد می‌آورد، گویای این مسأله است که حضور اردوغان در پست‌های نخست‌وزیری و هم‌اکنون ریاست جمهوری از سال ۲۰۰۳ تاکنون؛ یعنی برای ۱۲ سال در قدرت ماندن، خود به خود روندی را به وجود می‌آورد که وی مایل به ترک جایگاه قدرت نباشد؛ بخصوص طرحی که دولت وی برای افزایش اختیارات رئیس‌جمهوری اخیراً و پس از پیروزی در انتخابات، به مجلس تقدیم نموده، گویای این امر است. با این تفاسیر، هرچند هم‌اکنون رقبای لائیک اردوغان و سایر احزاب اسلام‌گرای ترکیه از قدرت کافی برای کنارزدن وی و گفتمان اسلام‌گرایی اعتدالی برخوردار نیستند؛ اما از آنجا که روح اسلام‌خواهی در فطرت خداجوی هر مؤمن مسلمانی وی را به سمت اجرای کامل احکام اسلامی منطبق با قرآن کریم هدایت می‌کند، به نظر نمی‌رسد در درازمدت مردم مسلمان ترکیه این دوگانگی‌ها و محافظه‌کاری‌ها را در عملکرد حاکمان ترک تحمل کنند و به نظر می‌رسد معایب این گونه اسلام‌گرایی، که هم می‌خواهد جانب اسلام و هم جانب غرب را ننگه‌دارد، موج مخالفت‌ها را در میان مردمان ترک به وجود خواهد آورد.

در نهایت، نخبگان سیاسی و فرهنگی ترکیه، این کشور را هم غربی و هم اسلامی می‌دانند؛ ولی به نظر نمی‌رسد خواست اکثریت مسلمان ترکیه، غرب‌گرایی باشد. در واقع،

اکثریت قابل ملاحظه‌ای از مردم ترکیه چندان در معرض روند غربگرایی قرار نگرفته‌اند و این نشان می‌دهد که حذف هویت تاریخی یک ملت که دارای رابطه‌ای عمیق با گسترش و پاسداری از اسلام است، برای چندین سده متوالی کار چندان ساده‌ای نیست.

در پایان، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد:

۱. اسلام‌گرایی اعتدالی به عنوان مشی حکومت اردوغان به علت برخورداری از بنیان صوفیانه، خواهان سیاسی شدن نیست و رویکردی محافظه‌کارانه در برخورد با اسلام و غرب از خود نشان می‌دهد.

۲. منابع هویتی متعارض دینی - غربی در کشور ترکیه، ناشی از خاستگاه اسلام در ترکیه است، که اسلام صوفیانه است.

۳. دوگانگی‌های رفتاری در اعمال اردوغان ناشی از منابع هویتی چندگانه دینی - غربی کشور ترکیه است.

۴. به نظر می‌رسد «اسلام‌گرایی اعتدالی» به‌علت این دوگانگی‌ها معایب خود را آشکار نموده و زمانی که نتواند پاسخگوی نیازهای اکثریت مسلمان ترکیه باشد، در حاشیه قرار می‌گیرد.

منابع

- قهرمانی، رحمان. (۱۳۸۳). *امنیت بین‌الملل؛ تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: ابرار معاصر.
- مهرپور، اکبر ر. (۱۳۷۰). *علل و عواقب گرایش ترکیه به اروپایی شدن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق، دانشگاه امام صادق.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۶). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: سمت.
- ولد، مری. (۱۳۸۹). *اسلام در ترکیه مدرن (زندگینامه یک روشنفکر: بدیع‌الزمان سعید نوری)*. ترجمه فرزاد صیفیکاران، تهران: احسان.
- اکبری، نورالدین. (۱۳۸۷). «قدرت یابی اسلام‌گرایان در ترکیه و تأثیر آن بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ش ۱۵، پاییز ۸۷.
- افضلی، رسول و متقی، افشین. (۱۳۹۰). «بررسی و تبیین ژئوپولتیکی اسلام‌گرایی اعتدالی در سیاست خارجی ترکیه از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱»، با رویکرد سازه‌انگاری»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره چهارم، ص ۱۷۵-۲۰۲.
- اخترشهر، علی. (۱۳۸۶). «ابعاد هویت اجتماعی - دینی دانشجو»، *دانشگاه آزاد اسلامی*، ش ۱۱، ص ۹۶-۱۲۴.
- جی واتسن، پل. (۱۳۷۷). «روانشناسی دین در جوامع مسلمین»، ترجمه: پونه بناکار حقیقی، *فلسفه و کلام - قبسات*، تابستان و پاییز ۱۳۷۷، سال سوم، ش ۸ و ۹، ص ۵۲-۷۱.
- خیاطی، حسن. (۱۳۹۲). «تحولات ترکیه و تزلزل اردوغانیسم»، *روزنامه جمهوری اسلامی*، چهارشنبه ۴ دی ۹۲، ش ۹۹۲۲، سال سی و پنجم.
- زاهدی، نسا. (۱۳۹۱). «سیر تحول سیاست خارجی ترکیه در پرتو بیداری اسلامی: تحول یا تکامل»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و ششم، ش ۳، پاییز ۹۱.

سلیمی، حسین. (۱۳۸۶). «نگرشی سازه انگارانه به هویت ملی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، ش ۳، ص ۳۱-۵۳.

شیرودی، مرتضی و نوروزی فیروز، رسول. (۱۳۹۲). «سیاست در اسلام لیبرالی (بررسی و نقد اندیشه‌های سیاسی در گفتمان اسلام میانه‌رو ترکی)»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، تابستان ۹۲- سال اول- ش ۲، ص ۸۳-۱۱۲.

عباسی، مسلم. (۱۳۸۶). «اسلام‌گرایی در ترکیه: همزمان با کم‌رنگ شدن لائیسیم شدت می‌گیرد»، روزنامه اعتماد ملی، (۸۶/۲/۱۰)، سال دوم، شماره ۳۵۰ گروه مترجمین صراط. (۱۳۸۹). «فرهنگ مردم ترکیه»، پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۴، تابستان ۸۹، ص ۹۶-۱۲۲.

مسعودنیا، حسین و نجفی، داوود. (۱۳۹۰). «سیاست خارجی نوین ترکیه و تهدیدهای امنیتی فراروی جمهوری اسلامی ایران»، آفاق امنیت، سال چهارم، شماره سیزدهم، زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۳۷-۱۶۲.

مطلبی، مسعود و زمانی، محسن. (۱۳۹۱). «روند تثبیت و تحکیم دموکراسی در نظام سیاسی ترکیه با تأکید بر حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، دوره ۱، ش ۴، زمستان ۱۳۹۱.

مقصودی، مجتبی و حیدری، شقایق. (۱۳۹۰). «بررسی وجوه تشابه و تفاوت جنبش‌های عربی در کشورهای خاورمیانه»، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره دوم، تابستان.

معمدی مهر، مهدی. (۱۳۸۸). «تثبیت و بازگشت‌ناپذیری پروژه اصلاحگری در ترکیه: ترکیه و راهبرد مدیریت موفق»، گزارش، خرداد ۱۳۸۸، سال هجدهم، ش ۲۰۸. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۳). «گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری»؛ مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۳.

اسلام‌گرایی محافظه‌کارانه و بازتاب آن در سیاست‌های اردوغان.../ ۲۳

مفید نژاد، سیدمرتضی. (۱۳۹۱). «هویت و توسعه در ترکیه جدید»، ویژه‌نامه گفت‌مان‌الگو، مورخ ۹۱/۱۰/۳، ش ۱۸۲۹۹.

نورالدین، محمد. (۱۳۸۰). «اسلام سیاسی و اسلام اجتماعی در ترکیه»، ترجمه غلامرضا مرادی، مجله بگانه حوزه، ش ۱۸، مرداد.

واعظی، محمود. (۱۳۸۶). «میان‌روهای کارآمد»، همشهری دیپلماتیک، ش ۱۷
هادیان، ناصر و گل محمدی، احمد. (۱۳۸۳). «عوامل ذهنی مؤثر در اندازه‌گیری قدرت و پیامدهای آن»، فصلنامه سیاست خارجی، سال هجدهم، ش ۲۹۳.

بروجردی، علاءالدین. (۱۳۹۰). «تفاوت‌ها و شباهت‌های انقلاب‌های عربی»، (۹۰/۵/۱۶)، تاریخ بازدید در سایت (۹۳/۱۰/۲۷)، برگرفته از سایت:

<http://www.tabnak.ir/fa/news>

خبرگزاری ایسنا. (۱۳۹۳). «ترکیه و ۱۰۰ روز ریاست جمهوری اردوغان»، تاریخ بازدید در سایت (۱۵ آذر ۱۳۹۳)، برگرفته از سایت:

<http://isna.ir/fa/print/93091508880>

لاسجردی، حسن. (۱۳۹۳). «رای شکننده اردوغان نشان چیست؟»، تاریخ بازدید در سایت (۹۳/۱۰/۲۷)، برگرفته از سایت:

<http://mahamnews.com/detail/21241/world/europe>

Ahmet Y. & Ocak, Tu (1996). *Ine Bakis ,lar(Approaches to Turkish Sufi Orders)*, Istanbul: Iletis im

Amanda, Paul and Demur Murat, Seeker, (2012). **Turkish foreign policy**. Istanbul: vadi yayınlar.

Bozdogan, sibel and kasaba (1997). *Rethinking modernity and national identity in turkey*. Seattle.

Heyking, John von (2009). *Mysticism in Contemporary Islamic Political Thought: Orhan Pamuk and Abdolkarim Soroush*. University of Lethbridge press

Yavuz, m.hakan and john l. Esposito (2003). *Turkish Islam and the secular state (the gulen movement)*. Syracuse University.

- Erdogan, R. T.(2004). " Conservative Democracy and the Globalization of Freedom " , American Enterprise Institute ,29 January
- Keyman, e.fuac(2007). "Modernity, secularism and Islam; the case of turkey".theory, culture and society. 24:215.
- Mehmet, Aydın(2008). "Diyaret's Global Vision," *The Muslim World*. 98:2-3.
- Went, alexandwr(1987). " the agent –structure problem in international relations theory" , *international organization*, vol.41, no.3
- Taspinar, Ömer(2012). "Turkey: The New Model?" Available at: .<http://www.brookings.edu/research/papers/2012/04/24-turkey-new-model-taspinar>, Accessed on: 5/4/ 2012
- Hamilton, Alec(2011). "From Tunisia to Egypt: Protests for Democracy in the Arab World", Thursday, in <http://www.wnyc.org/articles/itsfree-country/2011/jan/27/tunisia-egypt-protest-for-democracy>.